

بروزترین و ابرترین  
سایت کنکوری کشور

**WWW.KONKUR.INFO**



## درس اول

### اسم تفضیل و اسم مکان

در سال گذشته با وزن کلمات و معانی آنها آشنا شدید. وزن هایی مثل فاعل ، مفعول و ...

در درس اول با اسم پرکاربرد در عربی آشنا می شویم.

**الف) اسم تفضیل:** معادل «صفت برتر» و «صفت برترین» در فارسی است. مثل زیباتر و زیباترین.

اما در عربی مذکر بر وزن «أَفْعَل» و موئث بر وزن «فَعْلِيٌّ» می آید. مثل

أَكْبَرُ ← كبرى / أَصْغَرُ ← صغرى

بزرگتر - بزرگترین

آسیا بزرگتر از اروپا است

آسیا أَكْبَرُ مِنْ أروبا

آسیا بزرگترین قاره های جهان است.

آسیا أَكْبَرُ قارّاتِ العالم

**نکته ۱)** غالباً اگر بخواهیم معنی (تر) بدهد بعد از **أَفْعَل** (من) می آوریم و اگر بخواهیم معنی (ترین) بدهد احتیاجی به (من) نیست در این حالت اسم تفضیل مضاف واقع می شود.

**نکته ۲)** اسم تفضیل در حالت مقایسه بین دو اسم موئث معمولاً بر همان وزن «أَفْعَل» می آید:

مثل فاطمة أَكْبَرُ مِنْ زینب

**نکته ۳)** کلماتی مثل «أَقْلَ – أَحَقّ – أَضَلّ – أَشَدّ ...» بر وزن **أَفْعَل** هستند.

**نکته ۴)** خیر و شر هم اگر به معنی بهتر و بدتر یا بهترین و بدترین باشند ، اسم تفضیل هستند

حّی على خير العمل – خير الامور او سطّها

**نکته ۵)** غالباً جمع اسم تفضیل بر وزن «أَفْاعَل» است مثل

أَرْدَلُ أَرْدِلُ أَفْاضِلُ أَفْاضِلُ

**نکته ۶)** کلماتی مثل «أَعْلَى، أَوْلَى، أَقْوَى، أَخْفَى....» بر وزن **أَفْعَل** اسم تفضیل هستند

**نکته ۷)** رنگ و عیب ها هم بر وزن **أَفْعَل** هستند مثل **أَزْرَق** – **أَسْوَد** ... ولی اسم تفضیل نیستند

**نکته ۸) (آخر)** اسم تفضیل است به معنی «**ديگر**» و موئث آن آخری است.

اما (آخر) اسم فاعل است به معنی پایان و موئث آن آخرة است.

**ب) اسم مکان**

اسم مکان بر مکان دلالت می کند و بیشتر بر وزن مفعَل و گاهی بر وزن «مَفْعِل و مَفْعَلَة» است.

مَطَعْمٌ: رستوران

مَصْنَعٌ: کارخانه

مَلَعْبٌ = ورزشگاه

مَطَعَبَةٌ: چایخانه

مَكْتَبَةٌ: کتابخانه

مَحْمِلٌ : کجاوه

نکته: اسم مکان بر وزن (مَفْاعِل) جمع بسته می شود مثل

مسَاجِد

مَحَكَمَات

مسَاجِد



## تست درس اول

۱) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخِرُ قومٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ»\*

- ۱) کسانی که ایمان آورده اند، نباید قومی را مسخره کنند. شاید آنها بهتر باشند.
- ۲) ای کسانی که ایمان می آورید، نباید گروهی ، گروه دیگر را مسخره کن، شاید از شما بهتر باشد
- ۳) ای کسانی که ایمان آورده اید، نباید گروهی ، گروه دیگر را مسخره کند ، شاید آنان از ایشان بهتر باشند
- ۴) ای کسانی که ایمان آورده اید ، قومی از شما قوم دیگر را مسخره نکند. چه بسا آنها بهترین باشند

۲) (\* لا يَغْنِبَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيَّتًا\*)

- ۱) نباید از یکدیگر غیبت کنند، آیا دوست دارند گوشت برادرشان را که مرده است بخورند؟!
- ۲) نباید از یکدیگر غیبت کنید، آیا کسی از شما دوست دارد گوشت برادرش را که مرده است بخورد؟!
- ۳) برخی از یکدیگر غیبت نمی کنند، آیا دوست دارند گوشت برادر مرده خود را بخورند.
- ۴) از یکدیگر نباید غیبت کنید، آیا دوست دارید گوشت برادر مرده خود بخورده شود.

۳) عین الصحيح:

- ۱) آسیا اکبر قارّات العالم: آسیا بزرگترین قاره در جهان است
- ۲) أَفْضَلُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمُ للناس : برترین مردم کسی است که به مردم سود می رساند
- ۳) و هُوَ مِنْ كَبَائِرِ الذُّنُوبِ : و آن از بزرگترین گناهان است
- ۴) أَحَبُّ عِبَادَ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمُ لِعِبَادِهِ : دوست دارم بندگان خدا را که به بندگانش سود میرسانند

۴) فی اَيْ عِبَارَةٍ لَا تُوجَدُ اسْمُ التَّفْضِيلِ

- ۱) لُؤْنُ الْمَوْزِ أَصْفَرُ و لُؤْنُ الرَّمَانِ أَحْمَرٌ
- ۲) (\*هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ\*)
- ۳) أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تُعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلُهُ
- ۴) خَيْرُ النَّاسِ ذُو الْوَجْهَيْنِ

۵) «أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تُعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلُهُ» هذه العبارة تمثلنا عن ... !

- ۱) التَّجَسُّسُ
- ۲) الْعُجْبُ
- ۳) سُوءُ الظَّنِّ
- ۴) الاستهزاء

۶) عِنْ عِبَارَةٍ لَّيْسَ فِيهَا اسْمُ المَكَانِ

- ۱) لَا تَطْلُبِ الْعِلْمُ لِلْوُصُولِ إِلَى مَنَاصِبِ دُنْيَا
- ۲) هذا الشاعر شیرازی المولد
- ۳) الدُّلْفِنُ حَيْوَانٌ ذَكَرٌ يُحِبُّ مُسَاعَدَةَ الْإِنْسَانِ
- ۴) يَعْمَلُ الرِّجَالُ فِي الْمَصْنَعِ

٧) عين الصَّحِيح عن «مبتسِمٍ مَجَامِعٍ - أَفَاضِلٍ»

- ٢) اسم المفعول - اسم المكان - اسم مكان  
٤) اسم التفضيل - اسم المكان - اسم الفاعل

١) اسم الفاعل - اسم المكان - اسم التفضيل

٣) اسم المكان - اسم التفضيل - اسم الفاعل

٨- عين الخطأ في استخدام اسم التفضيل:

- ٢) نماوند أعلى جَبَلٍ في ايران  
٤) أختي الصغرى تَعْمَلُ في المطبخ

١) فاطمة كبرى من بنات هذا الصف

٣) مريم أعلم من صديقتها

٩- «في تصادم السيارات جرح أقل من عشرة طلاب الايرانيين وأحد مسؤولي الاستقبال» عين ما ليس في هذه العبارة:

٤) اسم المبالغة

٣) اسم الفاعل

١) اسم المفعول

١٠) في أي عبارة لاأوجِدُ الصفة؟

١) ليس شيء أثقل في الميزان من الخلق الحسن

٢) سُعادُنِي أختي الكبيرة

٣) طالعنا اليوم في المدرسة الفصل الثالث من درسنا العاشر

٤) تقُرِّبُ ساعة خيرٍ من عبادة سبعين سنة

١١- عين الخطأ عن مضاد الكلمات :

١) عداوة صداقة      ٢) أرخص أعلى

١٢- أي عبارة ما جاء فيها اسم التفضيل؟

١) أحب عباد الله إلى الله ، أنفعهم لعبادة

٣) قد يكون بين الناس من هو أحسن منا

١٣- في أي عبارة وقع المبتدأ و الخبرُ مضافين؟

١) حُسْنُ الْخُلُقِ نصفُ الدِّينِ

٣) الغواصون ذهبوا إلى أعماق المحيط ليلاً

١٤- عين الصَّحِيح عن المفردات في العبارات التالية : «إن الله يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ / الله ساترُ كُلِّ مَحْبُوبٍ»

٢) المُحسِنِينَ : اسم فاعل- جمع مذكر- معرفه / مفعول

١) ساتر : اسم مفعول- مفرد مذكر / خبر

- ٣) معهوب : مفرد مذكر – اسم مفعول / خبر      ٤) المُحسَنُونَ : اسم مفعول – جمع مذكر – معرفه / فاعل
- ٥- عَيْنَ الْجَوَابِ الَّذِي لَا يَشْتَمِلُ عَلَى اسْمِ الْمَكَانِ أَوْ اسْمِ التَّفْضِيلِ
- ١) رأيْتُ أَجْمَلَ الْبَيْوَتِ فِي سَفَرْتِي إِلَى جَنُوبِ إِيْرَانِ
  - ٢) عَدَاؤُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ
  - ٣) كَانَتْ مَكَبَّةُ جُنْدِي سَابُورُ فِي خُوزَسْتَانِ أَكْبَرَ مَكَبَّةً فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ
  - ٤) الْحُكْمُ يَبْقَى مَعَ الْكُفْرِ وَ لَا يَبْقَى مَعَ الظُّلْمِ
- ٦- عَيْنَ الْجَوَابِ الَّذِي يَشْتَمِلُ عَلَى اسْمِ الْمَكَانِ وَ اسْمِ التَّفْضِيلِ مَعًا
- ١) تَعَلَّمْتُ أَنْفَعَ الْعُلُومِ فِي مَدْرَسَةِ الْفَقْرِ وَ الْمَشَاكِلِ    ٢) أَكْثَرُ النَّاسِ تَقْرُبًا إِلَى اللَّهِ مِنْ كَانَ صَادِقًا
  - ٣) مَرِيمٌ أَعْلَمُ مِنْ صَدِيقَتِهَا
- ٧- عَيْنَ كَلْمَةِ «خَيْرٍ» لَيْسَتْ اسْمِ تَفْضِيلٍ :
- ١) عَدَاؤُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ
  - ٣) رَبِّ إِنِّي لَمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ
- ٨- عَيْنَ الْخَطَا عنِ الْمَحْلِ الْأَعْرَابِيِّ لِلكلماتِ :
- هُوَ مُحَاوِلَةٌ قَبِيحةٌ لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ
- ١) مُحاولةً : مبتدأ      ٢) قَبِيحةً : صفت
  - ٣) لِكَشْفٍ : جار مجرور      ٤) النَّاسُ : مضaf اليه
- ٩- عَيْنَ الْخَطَا عنِ المفرداتِ فِي الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ «خَلَقَ أَحَسَنُ الْخَالقِينَ الْجَمَالَ لِلنَّاسِ وَ هُوَ غَافِرُ الْخَطَايَا»
- ١) غافر : مفرد ، مذكر ، مشتق ، اسم فاعل / خبر
  - ٢) الجمال : اسم- مفرد- مذكر / مفعول و منصوب
  - ٣) أحسن : فعل ماضى ، ثلاثى مجرد- سوم شخص مفرد/ فاعل
  - ٤) الخالقين: اسم ، جمع مذكر- معرفه به الـ ، اسم فاعل/ مضاف اليه
- ١٠- عَيْنَ الصَّحِيحِ عَنِ الْمَفَرَدَاتِ فِي الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ : «أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ»
- ١) سكينة: اسم ، مفرد موئل ، جامد / صفت
  - ٢) المؤمنين: اسم ، جمع مذكر، معرفه به الـ- جامد/ مجرور به حرف جر
  - ٣) أنزل : فعل ماضٍ، مزيد ثلاثى، سوم شخص مفرد
  - ٤) رسول: اسم – مفرد مذكر / مضاف اليه

## تست های چهار گزینه ای عربی یازدهم انسانی

**عَيْنِ الْأَصَحَّ وَ الْأَدَقَ فِي الْجَوابِ (٨-١):**

**١- "إِقْتَصَدُوا فِي اسْتِهْلَاكِ الْمَاءِ لِتَعْوِيضِ نَفْصِهِ".**

الف) برای تبدیل کمبود در مصرف آب صرفه جویی کردند.

ب) برای جبران کمبود آن در مصرف آب صرفه جویی کردند.

ج) برای جبران کمبود آن در مصرف آب صرفه جویی کنید.

د) برای تبدیل کمبود در مصرف آب صرفه جویی کنید.

**٢- "فَدَمَنَ هَدَا يَا لِلْطَّالِبَاتِ لِتَقْرُبُهُنَّ إِلَى الْأَفَاضِلِ وَ الصَّفَاتِ الطَّيِّبَةِ".**

الف) برای نزدیک شدنشان به برترین ها و صفات خوب، به دانش آموزان هدیه هایی را تقدیم کردند.

ب) برای نزدیک شدن به برتری ها و صفات خوب، به دانش آموزان هدیه هایی را تقدیم کنید.

ج) برای نزدیک شدنشان به برتری ها و صفات خوب، به دانش آموزان هدیه ها را تقدیم کردند.

د) برای نزدیک شدن به برترین ها و صفات خوب، به دانش آموزان هدیه هایی را تقدیم کنید.

**٣- "نَدَعُونَ شَاتِمَكُمْ لِتُرْضِعُوا الرَّحْمَنَ وَ تُسْخِطُوا الشَّيْطَانَ".**

الف) دشنام گویتان را دعوت می کنید تا (خدای) بخشاینده را خشنود کرده و شیطان را خشمگین نمایید.

ب) دشنام گویتان را رها می کنند تا (خدای) بخشاینده را خشنود کنند و شیطان را خشمگین نمایند.

ج) دشنام گویتان را دعوت می کنند تا (خدای) بخشاینده را خشنود کرده و شیطان را خشمگین نمایند.

د) دشنام گویتان را رها می کنید تا (خدای) بخشاینده را خشنود کنید و شیطان را خشمگین نمایید.

**٤- عَيْنِ الصَّحِيحِ: "يُرِيدُ اللَّهُ مِنَّا أَنْ لَا نَمْشِيَ فِي الْأَرْضِ مَرَحاً وَ نَقِصَدُ فِي مَشِينَا".**

الف) خدا از ما می خواهد که روی زمین با ناز راه نرویم و در روش زندگی خود میانه روی داشته باشیم.

ب) خواست خدا از ما این است که روی زمین با خودپسندی راه نرویم و در راه رفتن خود میانه روی کنیم.

ج) خواست خدا از ما این است که روی زمین با ناز راه نرویم و در روش زندگی خود میانه روی داشته باشیم.

د) خدا از ما می خواهد که روی زمین با خودپسندی راه نرویم و در راه رفتن خود میانه روی کنیم.

## ٥- عَيْنُ الْخَطَا.

- (الف) تَوَاضَعَنَ أَمَامَ الْأَسَايَةِ لِأَنَّكَ تَعْلَمَ أَنَّ الْحِكْمَةَ تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ: در برابر اساتید فروتنی کنید زیرا می دانید که حکمت در قلب فرد فروتن ماندگار می شود.
- (ب) شُبَّهَ كَلَامُ مَنْ يَرْفَعُ صَوْتَهُ دُونَ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ بِصَوْتِ الْحِمَارِ: سخن کسی که صدایش را بدون دلیل منطقی بالا می برد به صدای خر تشییه کردند.

- (ج) صَعَرُوا خَذْهُمْ لِلنَّاسِ وَ مَا حَافَظُوا عَلَى الصَّلَاةِ: با تکبر رویشان را از مردم برگرداندند و بر نماز مراقبت نکردند.
- (د) أَرْشَدُوا الْأَوْلَادَ إِلَى الْأَعْمَالِ الصَّالِحةِ وَ تَعْلُمُ الْفُنُونِ: فرزندان را به کارهای درست و یادگیری هنرها راهنمایی کنید.

## ٦- عَيْنُ الْمُنَاسِبِ فِي الْمَفْهُومِ : "اللَّهُمَّ كَمَا حَسَنَتْ خَلْقِي فَحَسِّنْ خَلْقِي"

- (الف) حسن روی تو به یک جلوه که در آینه کرد/این همه نقش در آینه او هام افتاد
- (ب) خَيْرُ الْأَمْوَارِ أَوْسَطُهَا
- (ج) صورت زیبای ظاهر هیچ نیست/ای برادر سیرت زیبا بیار
- (د) مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ

## ٧- عَيْنُ الصَّحِيحِ عَلَى حَسَبِ الْوَاقِعِ.

- (ب) عَلَى الْوَالِدَيْنِ أَنْ يُقْدِمَا لِأَوْلَادِهِمَا مَوَاعِظَهُ.
- (د) الابتعاد عنِ الرِّيَاضَةِ عَمَلٌ مَقْبُولٌ.
- (الف) الْغَرَابُ حَيَّانٌ يُسْتَخَدَمُ لِلْحَمْلِ وَ الرُّكُوبِ.
- (ج) إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مُعَجَّبًا بِنَفْسِهِ.

## ٨- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الْمَطْلُوبِ.

- (ب) فَخُورٌ = مُتَوَاضِعٌ / مفرد نموذج : نَمَذْجٌ
- (ج) مَرَحَا = مُخْتَالٌ / جمع ناهی : نُهَا
- (د) جمع حَمِيرٌ: حَمَارٌ / جمع مَطَعَمٌ : مَطَاعِمٌ
- إِقْرَا النَّصَّ التَّالِي بِدِقَّةٍ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْلَةِ (١٢-٩):

كانَ رَجُلٌ فِي قَرِيَّةٍ مَشْهُورًا بِقُدرَتِهِ عَلَى إِصَابَةِ الْعَيْنِ. فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ أَرَادَ رَجُلٌ حَسُودٌ وَ فَقِيرُ الْحَالِ أَنْ يُؤْذِي أَخَاهُ الْغَنِيِّ. فَذَهَبَ إِلَى الرَّجُلِ الْمَشْهُورِ بِإِصَابَةِ الْعَيْنِ وَ قَالَ لَهُ: "أَرِيدُ مِنْكَ أَنْ تُصِيبَ أَخِي بِالْعَيْنِ". وَ كَانَ الرَّجُلُ الْمَشْهُورُ بِإِصَابَةِ الْعَيْنِ ضَعِيفُ الْبَصَرِ. فَقَالَ لِلرَّجُلِ الْحَسُودِ: "عَلَيْكَ أَنْ تَأْخُذَنِي إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي يَمْرُ مِنْهُ أَخُوكَ كُلَّ يَوْمٍ". فَوَقَفَا مَعًا عَلَى الطَّرِيقِ وَ عِنْدَمَا جَاءَ الْأَخُ الْغَنِيُّ مِنْ بَعِيدٍ، قَالَ الْحَسُودُ: "هَا هُوَ أَخِي قَادِمٌ مِنْ بَعِيدٍ". تَعَجَّبَ الرَّجُلُ الْمَشْهُورُ بِإِصَابَةِ الْعَيْنِ وَ قَالَ: "يَا هَاهُ، إِنَّ بَصَرَكَ حَادًّا! وَ فِي الْحَالِ فَقَدَ الْأَخُ الْحَسُودُ بَصَرَهُ".

## ٩- عَيْنُ الصَّحِيحِ.

- (ب) أَخِيرًا فَقَدَ الْأَخُ الْغَنِيُّ بَصَرَهُ.
- (د) الرَّجُلُ الْحَسُودُ مَا كَانَ غَنِيًّا.
- (الف) كَانَ الرَّجُلُ الْغَنِيُّ مَشْهُورًا بِإِصَابَةِ الْعَيْنِ.
- (ج) غَيْرَ أَخُ الْغَنِيُّ طَرِيقُهُ الْيَوْمَيَّةُ.

## ١٠- عَيْنُ الْخَطَا.

(الف) قَدِرَ الرَّجُلُ الْحَسُودُ أَنْ يُؤْذِي أَخَاهُ.

(ج) الرَّجُلُ الْحَسُودُ مَيَّرَ أَخَاهُ مِنْ بَعِيدٍ.

أراد أن .....

(ب) مَرَ الرَّجُلُ الْغَنِيُّ مِنْ مَكَانٍ دَائِنِيٌّ.  
(د) مَا كَانَ بَصَرُ الرَّجُلِ الْمَشْهُورِ قَوِيًّا.

١١- مَاذَا أَرَادَ الرَّجُلُ الْفَقِيرُ مِنَ الرَّجُلِ الْمَشْهُورِ؟

(الف) يُؤْذِي بَصَرَهُ.  
(ب) يُصِيبُ أَخَاهُ بَعْيَنَه.

١٢- مَا هُوَ عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنْ مَفْهُومِ النَّصِّ.

(الف) هر چه کنی به خود کنی/گر همه نیک و بد کنی  
.....  
(ب) آن که کردار بد روا بیند/ خود ز کردار خود جزا بیند

(د) نباشد همی نیک و بد پایدار/ همان به که نیکی بود یادگار

عَيْنُ الْمُنَاسِبِ فِي الْجَوابِ (٢٠ - ١٣):

١٣- عَيْنُ الْإِسْمِ الْمَكَانِ مَفْعُولًا.

(الف) فِي مَدْرَسَتِنَا غُرْفَةٌ خَاصَّةٌ لِلْحَاسُوبِ.

(ج) تُحِبُّ مَطْعَمًا مَشْهُورًا فِي مَدِينَتِنَا.

٤- عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ.

(الف) خَيْرُ الْأَمْوَارِ أَوْسَطُهَا.

(ج) عَدَاوَةُ الْعَالِقِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ.

٥- فِي أيِّ عِبَارَةٍ جَاءَ اسْمُ التَّفْضِيلِ وَ اسْمُ الْمَكَانِ مَعًا.

(الف) أَسْتُخْدِمُ الْأَفَاضِلَ فِي الْمَكَاتِبِ الْعِلْمِيَّةِ.

(ج) كُنْثُمْ خَيْرٌ أَمَّةٌ أَخْرِجَتْ لِلنَّاسِ.

٦- عَيْنُ الْخَطَا فِي الْمَحَلِ الْإِعْرَابِيِّ.

(الف) مَقْبَرَةُ الشَّاعِرِ الإِلَيْرَانِيِّ فَرَدوْسِيِّ فِي طَوْسِ: مَضَافٌ إِلَيْهِ / مَجْرُورٌ بِهِ حَرْفٌ جَرٌّ

(ب) أَنَا أَزَرَعُ الْخَيْرَ لِأَحْصُدُ الْحَسَنَةَ فِي الْآخِرَةِ: مَبْتَداً / مَفْعُولٌ

(ج) قَالَ الْبَائِعُ: "رَاجِعٌ إِلَى مَتَجَرِ زَمِيلِيِّ لِتَشْتَرِي سَرَاوِيلَ أَفْضَلَ": فَاعِلٌ / خَبْرٌ

(د) سَافَرْتُ إِلَى شَمَالِ إِيْرَانِ لِرُؤِيَةِ غَابَاتِ جَمِيلَةِ: جَارٌ وَ مَجْرُورٌ / صَفَتٌ

١٧- عَيْنِ مَا يَشْتَمِلُ عَلَى اسْمِ التَّفْضِيلِ.

الف) أَحْسَنَ بَعْضُ النَّاسِ إِلَى الْفُقَرَاءِ.

ب) أَعْمَلُ الْخَيْرَ لِأَنْجَحِ فِي الْحَيَاةِ.

د) قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ.

ج) أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ الْكِتَابِ التَّوَابِ.

١٨- عَيْنِ الْخَطَا فِيمَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخَطٍّ: "شَاهَدْتُ مَدَارِسَ كَبِيرَةً فِي هَذِهِ الْمُحَافَظَةِ".

د) موصوف

ج) اسم مكان

ب) مفعول

الف) مضاد

١٩- عَيْنِ مَا يَشْتَمِلُ عَلَى اسْمِ الْمَكَانِ.

الف) وَ جَادَلُهُمْ بِالْتِي هِيَ أَحْسَنُ.

د) سَتَبَدَأُ الْمُسَابِقَاتُ فِي مَلَائِكَةِ طِهْرَانَ بَعْدَ خَمْسَةِ أَشْهُرٍ.

ج) إِنَّمَا بُعْثَثُ لِأَنْتُمْ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ.

٢٠- عَيْنِ الصَّحِيحِ عَنِ "أَهْدَى" فِي هَذِهِ الْعِبَارَةِ : "صَدِيقِي أَهْدَى أَرْبَعَةَ كُتُبٍ لِمَكَتبَةِ مَدِينَتِنَا".

د) الفعل المضارع

ج) مضاد إليه

ب) اسم تفضيل

الف) فعل ماضٍ

بروزترین و ابرترین  
سایت کنکوری کشور

**WWW.KONKUR.INFO**

